

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌های خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

رد پا

اسیدپاشی به دلیل اختلافات خانوادگی

شهروند | مرد اسیدپاش در کرمانشاه دستگیر شد. به دنبال گزارش مرکز فوریت‌های پلیسی مبنی بر یک مورد اسیدپاشی در یکی از شهرک‌های کرمانشاه و انتقال مصدوم به بیمارستان، مأموران کلانتری برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. با تحقیقات مأموران مشخص شد شخص مصدوم در حین تردد با یک خودرو وانت، توسط دو تن از سرنشینان خودرو پژو پارس مورد اسیدپاشی قرار گرفته است. با توجه به اهمیت موضوع، دستگیری متهمان در دستور کار مأموران قرار گرفت که در نهایت عوامل اصلی اسیدپاشی شناسایی شدند.

با حضور مأموران در بیمارستان و تحقیقات مشخص شد شخص مصدوم در حین تردد با یک دستگاه خودرو وانت، توسط دو تن از سرنشینان خودرو پژو پارس مورد اسیدپاشی قرار گرفته است. با توجه به اهمیت موضوع، دستگیری متهمان در دستور کار مأموران قرار گرفت که در نهایت با استفاده از شگردهای پلیسی و کارهای اطلاعاتی عوامل اصلی اسیدپاشی شناسایی شدند. مأموران پلیس پس از هماهنگی با مقام قضائی و در عملیاتی ضربتی عامل اصلی اسیدپاشی را دستگیر کردند و به مقر پلیس انتقال دادند. فرد اسیدپاش در تحقیقات و بازجویی‌های به عمل آمده علت کارش را اختلافات خانوادگی عنوان کرد. متهم به دستگاه قضائی جهت سیر مراحل قانونی و صدور حکم مناسب منتقل شد.

عروس خیانتکار داماد را کشت

عروس ۱۸ ساله با همدستی پسر عمه‌اش، داماد جوان را در گرگان به قتل رساندند. جسد جوانی ۲۵ ساله با مداد یکشنبه در یکی از روستاهای شهرستان گرگان کشف شد و قاتلان وی نیز دستگیر شدند. با مداد یکشنبه افرادی به مأموران روشن آباد گرگان اطلاع دادند که فردی در روستای شخصی محله گرگان به قتل رسیده که بلافاصله مأموران به محل اعزام شدند. مأموران پلیس آگاهی، پاسگاه روشن آباد، باز پرس ویژه قتل و عوامل بررسی صحنه قتل پلیس آگاهی در محل وقوع حادثه بلافاصله در محل حاضر شدند و با جسد فردی ۲۵ ساله در آغل گوسفندان روبه رو شدند. روی بدن این فرد آثار جراحت در نقاط مختلف با چاقو مشاهده می‌شد و گردن این فرد نیز با یک شیء تیز بریده شده بود. هنگام بررسی صحنه زنی ۱۸ ساله اعلام کرد که این فرد شوهر اوست و ماجرا را برای مأموران توضیح داد. این زن گفت: ۲ ساعت قبل از وقوع حادثه، شوهرم گفت که می‌خواهد بر سر زمین کشاورزی برود. پس از آن چراغ‌های حیاط ما خاموش شد و صدایی در حیاط آمد و سپس از آن موتوری با سرعت از منزل ما خارج شد. پس از آن زمانی که من به آغل گوسفندان رفتم، متوجه جسد شوهرم شدم. این خانم در تحقیقات انجام شده در پلیس آگاهی مطالبی ضد و نقیض ارایه کرد که مأموران آگاهی متوجه این موضوع شدند. با تحقیقات انجام شده مشخص شد که این خانم با همکاری پسر عمه‌اش که مردی ۲۰ ساله است، شوهرش را در آغل گوسفندان به قتل رسانده است. این خانم نیز به قتل اعتراف کرد. این دو نفر دستگیر شدند و تحقیقات درباره انگیزه این قتل ادامه دارد.

تاریخ‌نگار

تجاوز روس‌ها به شمال ایران و قتل و غارت روستاها

۱۹ تیرماه سال ۱۲۸۷، درست در چنین روزی یک کاپیتان روسی به پهانه این که اسبش به خاک ایران فرار کرده، به همراه ۶ سرباز روسی وارد خاک ایران شدند و دو ایرانی ساکن در آن منطقه را کشتند. اقوام کشته‌شدگان نیز به انتقام از این رفتار وحشیانه، کاپیتان روسی و دو همراه او را کشتند. روس‌ها که خود در پی پهانه بودند، پس از آگاهی از این ماجرا، به روستایی در بین مرز دو کشور حمله کردند و پس از کشتن ۲۷ تن از مردم بی‌گناه، ۱۳۵ خانه را به آتش کشیدند و سپس به غارت روستا پرداختند. چهار روز بعد، روستاهای دیگری را نیز غارت کرده و پس از کشتن ۴۰ تن از مردم، ۳۵۰ خانه دیگر را آتش زدند. ابعاد این فاجعه و جنایت به حدی وسیع و دردناک بود که محمدمولی شاه دستور داد تا مراسم جشن تولد او را تعطیل کرده و هزینه‌های آن را صرف مردم خسارت‌دیده کنند.

قصاص پایان ماجرا نبود

فرصت دوباره برای یک محکوم به مرگ

شهروند | آزادی بعد از ۱۲ سال حبس؛ نجات و فرصت دوباره‌ای برای زندگی آن هم برای کسی که فقط چند قدم تا طناب دار فاصله داشت. عباس چندماهه است که از زندان آزاد شده است. او وقتی به جرم قتل بازداشت شد، فقط ۱۷ سال داشت. دانش آموز بود، اما یک لحظه غفلت و ناتوانی در کنترل خشم او را به جرم قتل به زندان انداخت و او را تا پای چوبه دار برد. عباس طناب دار را از نزدیک دیده همان طنابی که با آن خیلی دیگر را مثل او بالا کشیدند اما بخت با او یار شد. خانواده‌ای که ۱۲ سال فقط به دنبال قصاص او بودند و هر کاری کردند تا حکم او اجرا شود، یک‌شبه نظرشان تغییر کرد و عباس را بخشیدند. چرا و چگونه‌اش را خودش هم به درستی نمی‌داند اما هر چه که بوده برای عباس و خانواده‌اش یک معجزه است؛ معجزه‌ای که به او یک فرصت دوباره برای زندگی داده است. جزئیات این پرونده و سرگذشت عباس را در ادامه می‌خوانید.

- چه شد که به قصاص محکوم شدی؟
- سال ۸۴ بود، از سر کار برمی‌گشتم. برادرزن مقتول هم همراه من بود. نزدیک خانه رسیدیم دیدم چند نفری جلوی خانه ما جمع شدند. داد و فریاد می‌زدند، کسی هم به جز مادر خانه نبود، من هم عصبانی شدم با آنها درگیر شدم، اما تعدادشان خیلی زیاد بود. من هم یک نفری نمی‌توانستم کاری بکنم. یکی از آنها خیلی قدری می‌کرد، سر دسته بود. من هم یک چاقو کوچک داشتم، می‌خواستم او را برترسانم تا فرار کنند. اصلا قصد ضربه زدن نداشتم. همان موقع یکی از همسایه‌ها برای پدر میانی پرید وسط دعوا، یک دفعه دیدم که چاقو و دستم خونی شده؛ چاقو اشتباهی به او خورده بود. در واقع من، فامیل دوستم که همراه من بود را با چاقو زدم. از شانس بد هم چاقو رگ اصلی او را قطع کرد. وقتی او را به بیمارستان رساندند، از شدت خونریزی فوت کرد.
- یعنی کسی را زدی که ربطی به درگیری و دعوا نداشت؟
- بله؛ متأسفانه به اشتباه او را زدم؛ در واقع چاقو به او خورد. من اصلا قصد نداشتم کسی را بزنم؛ فقط می‌خواستم آنها را برترسانم
- بعدش چه شد؟
- من فرار کردم؛ اما پس از چند روز خودم را معرفی کردم چون عمدی نداشتم؛ اصلا با مقتول درگیری نداشتم. با خود فکر کردم که اینها باعث می‌شود که در مجازاتم تخفیف بگیرم.
- آن موقع چند سال داشتی؟

۱۷ سالم بود. دانش آموز بودم. بعد از مدرسه همراه با دوستم سر ساختمان کار می‌کردیم. آن روز از مدرسه رفتم سر کار که در مسیر بازگشت به خانه این اتفاق افتاد.

• دادگاه تورا به قصاص محکوم کرد؟

به قصاص محکوم شدم اما این حکم هم برای خودش داستان مفصلی دارد. از آن سال تا تأیید نهایی حکم من حدود ۱۰ سال طول کشید. نوع حادثه طوری بود که حکم قصاص من چندبار نقض شد؛ حتی شهر رسیدگی به دادگاه هم تغییر کرد اما در نهایت حکم قصاص تأیید شد.

• کمی بیشتر توضیح بده.

در همان دادگاه اول من به قصاص محکوم شدم اما دیوان حکم را تأیید نکرد. بعد به شعبه هم‌عرض رفت، آن جا هم دوباره حکم قصاص گرفتم اما باز هم دیوان حکم را برگرداند. در نامه دیوان نوشته شده بود که این قتل غیر عمد است. اگر شواهد و مدارک دیگری مبنی بر قتل عمد وجود دارد، باید ارایه شود. حتی بحث قسامه هم مطرح شد و بعد پرونده به برورد منتقل شد. با این که این حادثه در خرم‌آباد رخ داده بود و ما هم ساکن آنجا بودیم، اما پرونده به برورد منتقل شد. آنجا هم برای من حکم قصاص صادر شد.

• بعد شعبه ۴ تجدیدنظر هم این حکم را تأیید کرد. دیوان هم این بار قصاص من را تأیید کرد به اجرای احکام رفت، اما استیذان من هم طولانی شد. یعنی سال ۸۸ حکم نهایی من به اجرای احکام رفت، ولی استیذان سال ۹۲ گرفته شد. دوباره پرونده نواقصی داشت که به دادگاه خرم‌آباد ارسال شد. ۲ سال هم نقص پرونده زمان برد. سال ۹۵ همه نواقص برطرف شد. رسیدگی و نهایی شدن پرونده من خیلی زمانبر شد.

• در همه این مدت هم تو زندان بودی؟

در این مدت سه‌بار زندان را تغییر دادند. ۱۱ سال بعد از آن حادثه حکم قصاص گرفتم.

• در این مدت اقدامی برای جلب رضایت اولیای دم مقتول انجام ندادی؟

من که در زندان بودم، خانواده پیگیر بودند، اما آنها اهل رضایت نبودند. فقط قصاص می‌خواستند. من هم در زندان نگران و مضطرب منتظر بودم تا شاید از مرگ نجات پیدا کنم، اما همه تلاش‌ها ظاهراً بی‌فایده بود. من امید را از دست داده بودم. البته به قول بچه‌ها روز شماری نمی‌کردم، اما خوب با خودم فکر می‌کردم که دیر یا زود اعدام می‌شوم. فکرش هم من را آزار می‌داد. واقعا شرایط دستگیر شد.

اعضای باند ۳ نفره‌ای که از طریق شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام در قالب فالگیری و رمالی از مردم کلاهبرداری می‌کردند، توسط مأموران پلیس استان دستگیر شدند. این پرونده با شکایت خانمی مبنی بر کلاهبرداری ۷۵ میلیون تومانی یک رمال و فالگیر در شبکه‌های اجتماعی، پیگیری پرونده در دستور کار پلیس فتای استان ایلام قرار گرفت. کارشناسان پلیس فتا با انجام اقدامات اطلاعاتی موفق شدند اعضای این باند را شناسایی و آنها را در ۲ استان مرکزی کشور دستگیر کنند. متهمان در بازجویی‌های پلیسی به بیش از ۵۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری اعتراف کردند.

کلاهبرداری به روش فالگیری و رمالی در فضای مجازی



- چه تاریخی از زندان آزاد شدی؟
- دوازدهم آذر سال ۹۶. تقریباً همان تاریخی که آن حادثه اتفاق افتاد. آن درگیری پنجم آبان سال ۸۴ بود که چند روز بعد خودم را معرفی کردم و بازداشت شدم.
- ۱۲ سال بعد زندان را تحمل کردی؟
- واقعا سخت است. هر روز یک عمر می‌گذرد. فقط امید و توکل من مانده است. روراست بعضی روزها حالم خیلی خراب می‌شد. مخصوصاً آن روزها و ماه‌های آخر، که فکر می‌کردم کارم تمام است.
- وقتی بعد از این همه سال از زندان آزاد شدی، چه حسی داشتی؟
- غیر قابل توصیف است. با هیچ کلمه‌ای نمی‌توانم از حال آن روز و لحظه آزادی از زندان بگویم. من به قول بچه‌های زندان زیر تیغ بودم. در چند قدمی طناب دار. حال من را فقط یک زیر پر حکمی آزاد شده می‌فهمد.
- الان چه کار می‌کنی؟
- کار درست و حسابی به ندارم. بازار که کلا خراب است. چهار سده‌به‌من که سابقه‌دار هستم. با این همه خدایوشکر کارگر روز مزد ساختمان هستم، گهگاهی هم در قصابی کار می‌کنم. همان خدایی که من را از مرگ نجات داد، روزی‌ام را هم می‌رساند.

سختی است. این که بدانی یک روز صداقت می‌زدند تا پای چوبه‌دار بروی.

• پس چطور رضایت گرفتی؟

هنوز هم باورم نمی‌شود. با این که چندماهه است که از زندان خلاص شدم، اما هنوز هم خواب آن جا را می‌بینم. مثل یک معجزه بود. انگار خدا دلشان را نرم کرد. یک روز در زندان بودم که مطلع شدم آنها رضایت می‌دهند. اولش باورم نمی‌شد، چون به خیلی از زندانی‌ها و محکومان به قصاص مثل من چنین حرف‌هایی زده می‌شود. اینها را می‌گویند تا زندانی خودش را نازد. شرایط روحی محکومان به قصاص خیلی خراب است. فضای زندان هم که سنگین و دلگیر. من هم باورم نشده اما بعد از چند روز فهمیدم که انگار موضوع جدی است. وقتی از مسئولان زندان شنیدم مطمئن تر شدم. اما حالا مشکل دیگری هم بود. جور کردن پول دیه. خانواده من پولی نداشتند. خودم هم بچه بودم، به زندان افتادم. یعنی ماهیچ پولی نداشتم.

• از خیرین کمک گرفتی؟

بله، جمعیت امام علی خیلی کمک کرد. بیش از ۲۳۰ میلیون تومان برای آزادی من جمع‌آوری شد. من آزادی و فرصت دوباره زندگی‌ام را البته با خدا و بعد هم به خیرین این جمعیت مدیونم.

مکان

مرگ غم‌انگیز یک مأمور و وظیفه‌شناس راهور



شهر و ند استوان دوم احسان تقوایی به همراه استوار مجتبی در ۱۲ محور قوچان به چناران و در کنار جاده مشغول ثبت تخلف سرعت خودروهای عبوری از این جاده بر ترافیک بودند تا نظم و امنیت سفر زائران بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) را تأمین کنند. روز یکشنبه بود و جاده در آستانه شهادت امام جعفر صادق (ع) شلوغ. عقربه‌های ساعت دقیقی از ۶ صبح رد نشده بودند که یک خودروی پیکان وانت از راه رسید. راننده پیکان وانت به علت سرعت زیاد کنترل وسیله نقلیه را از دست داده بود. این خودروی سرگردان به شدت با احسان و مجتبی برخورد کرد. غوغایی به پا شد. پیکر مصدوم احسان و مجتبی بلافاصله به بیمارستان انتقال یافت. اما تلاش پزشکان بی‌ثمر بود و استوان دوم احسان تقوایی، جان باخت. پیکر مطهر این افسر سفیدپوش سبکبال صبح دوشنبه بردوش

همرزمان و خیل عظیمی از زائران و مجاوران امام رضا (ع) تشییع و پس از طواف برگرد کعبه دل‌های عاشق در حرم مطهر امام رضا (ع) در بهشت خواجه ربیع مشهد به خاک سپرده شد. سر تیپ قادر کریمی، فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی که در این مراسم حضور داشت با تسلیت ایام شهادت امام جعفر صادق (ع) گفت: سرباز وظیفه که در این حادثه مصدوم شده نیز در بیمارستان تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار گرفته است. وی گفت: شهروندان فهیم و قانونمدار پلیس را به واسطه اهتمام جدی و روحیه جهادی که در مأموریت‌های محوله، آگاهانه و مسئولانه بردوش می‌کشند، می‌بینند و این مایه افتخار خدمتگزاران راه نظم و امنیت کشور است که رضایت و خشنودی مردم عزیز را فراهم کرده و در مسیر تأمین نظم و آسایش و امنیت مردم از جان و هستی خود مایه بگذارند. تحقیقات بیشتر در رابطه با این حادثه ادامه دارد.

دره‌بین

۲۵۰ نفر در دام بات صیغه‌یاب



شهروند | دانش آموز ۱۵ ساله ساوه‌ای که با یک ربات تلگرامی به ۲۵۰ حساب مالی دسترسی پیدا کرده بود، توسط پلیس فتای همدان دستگیر شد. این جوان با بارگذاری یک ربات تلگرامی در فضای مجازی تحت عنوان «صیغه‌یاب» جوانان را به دانیلود آن سوق می‌داد. این فرد هزینه عضویت در این کانال را ۲۰ هزار ریال در نظر گرفته بود که رقم اندک موجب وسوسه عده‌ای برای استفاده از این ربات شده بود. کاربران برای عضویت در این کانال باید وارد یک صفحه جعلی می‌شدند و مشخصات حساب بانکی خود را وارد می‌کردند؛ غافل از اینکه با این اقدام اطلاعات بانکی خود را در اختیار این نوجوان قرار می‌دادند. این نوجوان برای جذب مخاطب ابتدا عکس دختران را از دیگر صفحه‌های اجتماعی و فضاهای مجازی سرقت و آنها را به عنوان گزینه صیغه معرفی می‌کرد. پس از بررسی صفحات جعلی توسط تیم‌های فنی پلیس فتا، این فرد شناسایی شد و با دستور مقام قضائی، عوامل پلیس فتای همدان وی را که در ساوه ساکن بود، دستگیر کردند. این جوان به مقر انتظامی همدان منتقل شد و